

مسأله ۱. از توابع روزه ماه رمضان و شرط قبولی آن زکات فطره است. و آن بر مکلف واجب می شود به شرط غنی بودن. یعنی کسی که مخارج یک سال خود و کسانی را که نان خور او هستند داشته باشد. بالفعل یا بالقوه و مقصود از بالقوه؛ یعنی کسبی داشته باشد که به واسطه آن روز به روز مخارج روزانه اش برسد.

مسأله ۲. وقت وجوب فطره از اوّل غروب آفتاب شب عید فطر (که اوّل ماه شوال است) تا ظهر روز عید می باشد، پس کسی که نماز عید نخواند، می تواند تا ظهر روز عید تأخیر بیاندازد. کسی که در نماز عید حاضر شود، باید پیش از نماز فطره را بدهد. احتیاط واجب است فطره را پس از طلوع فجر کنار بگذارد.

مسأله ۳. زکات فطره واجب می شود بر هرکسی برای خود و هر کسی که در شب عید جزء عیال او باشد، گرچه واجب النفقه نباشد، به شرط این که پیش از غروب آفتاب در خانه او باشد گرچه کودک خردسال و نوزاد.

مسأله ۴. جنس فطره باید از خوراک غالب انسان باشد از گندم و جو و خرما و کشمش و مانند این ها. جایز است قیمت آن را بدهد.

مسأله ۵. مقدار فطره تقریباً سه کیلو گرم است از هر جنسی که بدهد.

مسأله ۶. مستحق فطره هر کسی است که فطره بر او واجب نباشد (۱) ولی باید سید هاشمی نباشد در صورتی که فطره دهنده غیر هاشمی باشد. اما فطره هاشمی به هاشمی در صورت استحقاق می رسد.

ص: ۹۸

۱- (۱) یعنی کسی که مخارج بک سال خود و خانواده اش را ندارد و کسی هم ندارد که خرجی او را بدهد.

مسأله ۱. خمس عبارت است از دادن پنج یک مال در یکی از هفت چیزی که ذکر می شود.

مسأله ۲. خمس به هفت چیز تعلق می گیرد:

اول غنیمت یعنی مالی که از جهاد به دست می آید.

دوم معدن هایی که از زیر زمین بیرون آورد می شود، مثل عقیق و فیروزه و مانند این ها، حتی گوگرد و نمک.

سوم گنجی که کسی پیدا کند.

چهارم غوص یعنی چیزهایی که از دریا با فرو رفتن در آن بیرون می آورند، مثل مروارید و مرجان.

پنجم زمینی که کافر ذمی از مسلمانان بخرد.

ششم مال حلال مخلوط به حرام.

هفتم منافع کسب از تجارت و صنعت و زراعت.

چون پنج قسم اول به اغلب مردم تعلق نمی گیرد و مخصوص به اشخاص خاصی است، از شرایط و احکام آن ها صرف نظر، و اکتفا می شود به دو قسم اخیر که به نوع مردم تعلق می گیرد.

مسأله ۳. در مال مخلوط به حرام شرط است که صاحب آن و مقدار حرام مجهول باشد. و گرنه همان مقدار معلوم (کمتر از خمس یا بیشتر) را باید به صاحبش برگرداند.

مسأله ۴. در صورت وجود شرط مذکور، همین که خمس مال داده شد، تصرف در آن مال جایز است، اما پیش از آن جایز نیست.

مسأله ۵. در منافع کسب زیادی از مخارج یک سال خود و عیال او شرط است. در مخارج، میانه روی به حسب حال شخص معتبر است.

مسأله ۶. مراد از سال اعم از سال قمری و شمسی است.

مسأله ۷. در صورتی که کسب های متعدد داشته باشد، مثل زراعت و تجارت و نجاری، جایز است برای تمام یک سال قرار دهد، نه سال های جداگانه برای هر یک.

مسأله ۸. حیوانات که از منافع آن ها سود می برد مثل کرایه دادن اسب و قاطر و الاغ و شیر گاو و گوسفند، یا نتایج هر یک از آن ها، و از رشد درخت های غیر مثمر و درخت هایی که از میوه آن ها نفع می برد، هر مقدار که زیاده از مخارج عادی سال خود و عیالش باشد، جزو کسب است و خمس آن ها را باید بدهد. هم چنین خانه و املاک و مستغلاتی که زیادی از مؤنه (خرجی) باشند.

مسأله ۱. خمس دو نصف می شود: نصف آن سهم فقرای سادات است یعنی کسانی که از طرف پدر نسب آن ها منتهی می شود به هاشم، جد حضرت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گرچه از اولاد حضرت نباشند. مراد از فقر همان است که در زکات فطره گذشت، و نصف آن سهم امام (علیه السلام) است که در این زمان باید به نمایندگان حضرت یعنی مجتهد جامع الشرایط داده شود. نصف اوّل را جایز است خود فرد به فقرای سادات بدهد.

مسأله ۲. در خمس مثل سایر عبادات شرط است نیت و قصد قربت؛ پس بدون نیت یا به قصد غیر قربت صحیح نیست و ذمه او بری نمی شود (۱).

مسأله ۳. جایز است به هر سید فقیری آن قدر خمس بدهند که غنی بشود، یعنی به اندازه مخارج یک سال خود و عیال واجب النفقه اش، اما زیاده تر جایز نیست ملاک در سال از هنگام دادن خمس است.

مسأله ۴. به اشخاصی که واجب النفقه خمس دهنده باشند، خمس دادن جایز نیست مثل پدر و مادر و فرزندان و زن هر چند سید فقیر

ص: ۱۰۱

۱- (۱). یعنی از عهده پرداخت خمس آزاد نمی شود.

باشند؛ مگر برای مخارج غیر لازم این اشخاص؛ مثل هزینه های آموزشی و مانند این ها.

مسأله ۵. سهم امام (علیه السلام) را می شود به اذن مجتهد به سادات و مطلق اشخاصی که در مقام ترویج دین اسلام باشند بدهد مثل محصل علوم دینی و مروجان و مبلغان شرع به شرط فقر و استحقاق.

ص: ۱۰۲

مسأله ۱. زکات در نه چیز واجب می شود: اوّل و دوم طلا- و نقره مسکوک. سوم گوسفند. چهارم گاو. پنجم شتر. ششم کبک. هفتم خرما. هشتم گندم. نهم جو.

مسأله ۲. زکات طلا- و نقره وقتی واجب می شود که علاوه بر نصاب، یک سال بر آن ها بگذرد و مسکوک به سکه معامله باشند.

مسأله ۳. در زکات گاو و گوسفند و شتر شرط است در تمام سال چرند صحرائی بوده و کارکن نباشند.

مسأله ۴. زکات گندم و جو و خرما و کبک وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند. نصاب آن ها به ۸۶۳/۷۹۰ کیلوگرم است، و گندم و جو را در هنگام دانه بستن مالک شود پس اگر کمتر از مقدار فوق باشد و یا پس از دانه بستن مالک شود زکات واجب نمی شود.

مسأله ۵. آن چه مخارج زراعت گندم و جو است از هنگام کاشتن آن تا وقت تصفیه دانه، از بذر و اجرت زمین، و اجرت کارگر و لای روبی قنات، و نگهداری زراعت، و مالیات و غیر این ها، هر چه لازمه عمل آوردن و تصفیه آن ها است، جایز است که از حاصل کسر کند. پس از این مخارج باید به حد نصاب برسد. در صورت خارج کردن باید در صورت مشترک مصارف بین گندم و جو و سایر زراعات، مثل نگهداری

و اجرت کارگر آن مقدار که به هر یک از گندم و جو تعلق می گیرد باید خارج شود، نه تمام آن.

مسأله ۶. هرگاه در مخارج مذکور بخواهد قیمت خارج کند، در صورت کم و زیاد شدن قیمت، ملاک حال وجوب زکات است که هنگام دانه بستن باشد، نه حال اداء آن.

زکات غلات چهارگانه

مسأله ۱. زکات گندم و جو و خرما و انگور، اگر از آب باران، یا قنات و نهر و سد و یا رطوبت زمین مشروب شود، ده یک، است. اگر با آب چاه های عمیق و نیمه عمیق یا به وسیله دلو و دست و حیوان از چاه یا رودخانه آب بکشند و آن را مشروب سازند، زکاتش بیست یک است.

مسأله ۲. مصرف زکات هفت چیز است: اول: کسانی که از جانب امام یا مجتهد برای جمع آوری زکات تعیین شده اند. دوم: کفاری که تألیف قلوب ایشان برای جهاد بشود (۱). سوم: آزاد کردن غلام و کنیز و این قسم در زمان ما وجود ندارد. چهارم: فقرای غیر سادات از شیعه. ملاک در فقیر همان است که در زکات فطره و خمس معلوم شد.

ص: ۱۰۴

۱- (۱). یعنی دل آنان را به دست آوردن و به خود متمایل کردن، تا به نفع مسلمانان بجنگند.

پنجم: ادای دین کسی که عاجز باشد از پرداخت آن. گرچه بر مخارج سال و عیال خود قادر باشد؛ ولی زیادی که به آن ادای دین خود را بنماید نداشته باشد به شرط این که بدهی او در معصیت نباشد و مدیون، شیعه هاشمی نباشد. ششم: ابن سبیل از شیعه غیر سادات یعنی کسی در راه مانده و خرجی او تمام شده باشد. گرچه در وطن خود دارا باشد به شرط این که بر قرض یا گرو گذاشتن یا فروختن چیزی توانمند نباشد: هفتم: مطلق خیرات مثل پل، و مدرسه ساختن، و حمام عمومی یا جاده و بیمارستان بنا کردن.

حدود مصرف زکات

مسأله ۱. حدّ دادن زکات به فقیر، به اندازه ای است که غنی شود. در ادای دین پرداخت بدهی است هر چه باشد. در ابن السبیل رفع نیاز وی است به اندازه که به وطن برسد. در خیرات حدّی ندارد، بلکه هر چه بشود.

مسأله ۲. در وجوب دادن زکات، غنی بودن و مقروض نبودن شرط نیست بلکه همین قدر که به تنهایی مالک نصاب شد با شرایط، دادن زکات واجب است، پس ممکن است دهنده ی زکات مستحق گرفتن آن نیز باشد. بنابراین ممکن است با دهنده دیگری دست به دست نماید

به شرط این که حقیقتاً قصد دادن داشته باشد بر خلاف خمس و زکات فطره که نمی شود دهنده ی آن، گیرنده باشد مگر به گونه استحباب.

ص: ۱۰۶